

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

اقدام قضایی علیه دهان نجس ها

با اقدامات قضایی و امنیتی دستگاه‌های مسئول، برخورد با شبکه مزدوران دشمن وارد فاز تازه‌ای شد؛

۲



مذاکرات اسلام آباد با چالش بدعهدی و خیانت آمریکا همراه بود؛

خلف وعده در ساعت صفر

همزمان با حضور هیات‌های ایرانی و آمریکایی در اسلام آباد، تحولات ۲۴ ساعت گذشته حاکی از ابهام در اجرای پیش شرط‌های تعیین شده توسط جمهوری اسلامی است. مذاکره به میدان جدیدی برای اعمال فشار تبدیل شده است؛ تلاشی برای گرفتن دستاوردهای جنگ از میزسیاست.

تجربه برجام نشان داده که چگونه می‌توان پیروزی‌های میدانی را در پیچ‌وخم مذاکرات از دست داد. اما این بار، معادله متفاوت است. ایران نه تنها دست بالا را در میدان دارد، بلکه در نردبان تصعید تنش نیز از ابزارهایی برخوردار است که می‌تواند معادلات منطقه‌ای و حتی داخلی آمریکا را در گروگان کند.

در چنین شرایطی، عقب‌نشینی در موضوعاتی چون تنگه هرمز، حق غنی‌سازی، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای، نه یک مصالحه، بلکه تکمیل پازل دشمن خواهد بود؛ پازلی که پیش‌تر در عراق و لیبی به اجرا درآمد. اکنون نیز تحولات مذاکرات اسلام آباد نشان می‌دهد درب دیپلماسی همچنان بر پایه‌ای سست قرار دارد.

۷



فروپاشی روانی سیاست خارجی آمریکا

۶

صفحه ۲

سیاسی

خواب از چشمان نظرتنگ ربوده شد!

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

مرشایمر با تشریح وضعیت راهبردی ایالات متحده اعلام کرد؛

ترامپ شکست را بپذیرد

صفحه ۴

اقتصادی

طلا در ذخایر ارزی جهان از دلار پیشی گرفت؛

روند شتابان دلارزدایی

چرا همسایگان جنوبی باید غرامت بدهند؟

وقتی اجازه می‌دهند که امکانات سرزمینی‌شان در اختیار دشمن قرار گیرد و در نتیجه آن باعث ایجاد خسارت‌های مالی و جانی بر ما می‌شوند، طبیعی است که جدای از دریافت پانسخ کوبنده از نیروهای مسلح ما باید در برابر پیامدهای آن من جمله پرداخت غرامت نیز پاسخگو باشند. مسئولیت، فقط زمانی معنا دارد که هزینه نقض تعهدات نیز روشن باشد امری که تا بحال از آن سرباز زده‌اند. امنیت منطقه‌ای با بیانیه و شعار ساخته نمی‌شود؛ بلکه با رفتار مسئولانه و تنبیه متجاوز و کمک‌کنندگان به او ساخته می‌شود.

متن کامل در صفحه ۳

با اقدامات قضایی و امنیتی دستگاه‌های مسئول، برخورد با شبکه مزدوران دشمن وارد فاز تازه‌ای شد؛

اقدام قضایی علیه دهان نجس‌ها

قرار گرفت. در این راستا قوه قضائیه اموال بیش از ۴۰۰ چهره حامی دشمنان ایران را ثبت و ضبط کرد و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم، شبکه‌های مزدوران آمریکا و رژیم صهیونیستی را زیر ضرب برد.

با توقف ۱۴ روزه جنگ تحمیلی سوم آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، اقدامات ترکیبی و مکمل قضایی و اطلاعاتی علیه مزدوران سازمان‌های اطلاعاتی غربی و وابستگان دشمنان متجاوز به کشور در دستورکار دستگاه‌ها و نهادهای مسئول



هسته‌ها ضمن ارسال اطلاعات مراکز حساس به دنبال اقدامات خرابکارانه و ایدایی بودند. از این عناصر مقداری سلاح گرم و مهمات کشف و ضبط شد.

با اقدامات سازمان اطلاعات سپاه استان سمنان، ۲ جاسوس وابسته به سرویس اطلاعاتی موساد شناسایی و دستگیر شدند. نامبرندگان از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تا زمان دستگیری مکرراً اقدام به برقراری ارتباط با افسر اطلاعاتی موساد کرده بودند و محتوای جمع‌آوری شده از افراد و اماکن را ارسال می‌کردند.

با اقدامات سازمان اطلاعات سپاه استان گیلان، چندین شبکه از مزدوران آمریکایی صهیونی در مجموع ۱۰۲ نفر زیر ضربه قرار گرفتند. این عناصر به دنبال ایجاد ناامنی و اقدامات خرابکارانه در سطح شهرها بودند که پیش از هرگونه اقدام دستگیر شدند. از مهمترین آن می‌توان به ۴ جاسوس وابسته به سرویس جاسوسی موساد اشاره کرد که ضمن ارسال اطلاعات طبقه بندی شده و موقعیت مناطق حساس، در فضای مجازی اقدام به آموزش اقدامات خشونت‌آمیز می‌کردند.

اسماعیلیون، اشکان خطیبی، علی حسین قاضی زاده و پرستو صالحی که با اقدامات و مواضع وطن‌فروشان خود منجر به تخریب مراکز حساس کشور و به شهادت رسیدن هزاران نفر از مردم ایران شدند.

تحریک، تظہیر و قهرمان سازی از عوامل تروریستی موساد، تبلیغات و حمایت از حمله نظامی آمریکا به ایران و درخواست علنی از آمریکا برای بمباران مردم ایران از جمله اقدامات خائنانه و تروریستی این مزدوران بی وطن بود. حتی بی‌وطنی این مزدوران تا آنجا پیش رفت که اخیراً یکی از عوامل شبکه صهیونیستی اینترنشنال، در تویییتی وقیحانه، ترامپ را با ترمین مقایسه کرد و خواستار بمباران اتمی ایران شد؛ اقدامی خائنانه و ضدبشری که حتی صدای همکاران او در شبکه رسانه تروریستی اینترنشنال را درآورد.

دستگیری ۱۲۳ مزدور آمریکایی صهیونی

سازمان اطلاعات سپاه در بیانیه‌ای اعلام کرد: با اقدامات سازمان اطلاعات سپاه استان همدان، ۱۸ نفر در قالب چند شبکه وابسته به جریان سلطنت طلبی، مرتبطین با رژیم صهیونیستی، عناصر وطن‌فروش و عوامل رسانه‌ای دستگیر شدند. این

امیرحسین درکی

روزنامه نگار

چندی پیش مجلس شورای اسلامی طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» را به تصویب رساند. این قانون که با هدف صیانت از امنیت ملی و مقابله با هرگونه همکاری با دشمنان جمهوری اسلامی ایران تصویب شد، به تشدید مجازات برای افرادی می‌پردازد که به هر شکل در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی، اقتصادی یا فناوری با دولت‌های متخاصم همکاری داشته باشند.

در همین راستا و روز گذشته با دستور مقام قضایی اموال ثبتی و دارایی‌های بیش از ۴۰۰ چهره حامی دشمن در خارج از کشور شناسایی و توقیف شد. در میان این افراد نام تعدادی از بازیگران، ورزشکاران، مدیران و خبرنگاران مرتبط با شبکه‌های معاند از جمله شبکه ایران اینترنشنال و من‌وتون نیز دیده می‌شود. از جمله مزدورانی نظیر علی شریف زارچی، مسعود شجاعی، مازیار فلاحی، پوریا زرعتی، فرداد فرحزاد، نیوشا صارمی، سالومه سیدنیاز، فرزاد ارجمند، حمید فرخ‌نژاد، احسان کرمی، مزدک میرزایی، کیوان عباسی، حامد

خبر کوتاه

قالیباف: با حسن نیت به پاکستان آمده‌ایم اما اعتمادی به آمریکایی‌ها نداریم

رئیس مجلس و سرپرست هیأت مذاکره کننده ایران در پاکستان گفت: ایران با حسن نیت برای مذاکرات اسلام‌آباد آمده است اما اعتمادی به آمریکا ندارد. وی افزود: آمریکا باید یک طرح واقعی برای توافق بدهد که طبق آن باید حقوق جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد در این صورت ایران آماده توافق است. رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: آمریکا در گذشته به وعده‌های خود در مذاکرات پایبند نبوده است.

منصوری: متحدان روزهای سخت را فراموش نمی‌کنیم

معاون اجرایی دولت سیزدهم در اجتماع مردمی در میدان ورامین گفت: امروز همه جبهه مقاومت، ظروف مرتبطه هستند و سرنوشت این کشورها به هم گره خورده است. لبنان جان ماست، غزه نفس ماست، یمن و عراق و سایر کشورهای مؤثر در محور مقاومت، عزیز ما هستند، آن‌ها به خاطر ما به میدان آمدند. ایران مقتدر، یاران و متحدان روزهای سخت را رها و فراموش نمی‌کند. در نبرد اراده‌ها، جبهه مقاومت، پیروز نهایی خواهد بود انشاءالله.

عبدالکریمی: از ناتو فقط یک جسد باقی مانده است

بیزن عبدالکریمی، استاد دانشگاه: امروز از ناتو فقط یک جسد باقی مانده و دیگر روحی ندارد؛ ناتو بعد از این جنگ متلاشی شده است، استراتژیست‌های مادر سپاه و ارتش علاوه بر نبوغ در فهم میدان، سیاست را هم خیلی خوب می‌فهمند.

خضریان: آتش بس تا به تأیید رهبری نرسید، به دشمن اعلام نشد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفتگویی تلویزیونی گفت: مردم به دلیل دلسوزی که دارند، نگرانند؛ اما بدانند مدیریت عالی رهبر معظم انقلاب در این کشور وجود دارد و مصوبات شورای عالی امنیت ملی تا به تأیید ایشان نرسد امکان اجرا ندارد و در مورد مذاکرات توقف جنگ نیز همینطور بود تا وقتی به تأیید رهبری نرسیده بود اصلاً به طرف مقابل منتقل نشده بود. وی افزود: کشور در وسط جنگ با مدیریت عالی فرمانده کل قوا در حال اداره شدن است. و همه گروه‌های سیاسی دلسوز، پشتیبان این کشور و پرچم هستند.

ثابتی: کاش تیم مذاکره‌کننده، پاکستان را ترک می‌کرد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: در حالی که تیم مذاکره‌کننده ایران و آمریکا به پاکستان رسیده‌اند، حملات اسرائیل به لبنان متوقف نشده و رسماً یکی از مهمترین خطوط قرمز ایران نقض شده، کما اینکه قالیباف هم روز اول برتوقف جنگ در لبنان تأکید کرد. وی افزود: اگر همان پریروز که اسرائیل حمله به لبنان را شدت بخشید، ایران هم به جای بیانیه دادن پاسخ اسرائیل را می‌داد امروز در لبنان هم آتش بس شکل گرفته بود اما اشتیاق برای مذاکره و چشم پوشی از پاسخ متقابل به دشمن تا این لحظه، باعث ادامه دار شدن حملات به لبنان شده است. ثابتی تأکید کرد: کاش تیم مذاکره‌کننده ایران همین امروز پاکستان را ترک می‌کرد تا دشمن بفهمد خط قرمزهای ایران واقعی است و نه تزیینی.

سیاسی

خواب از چشمان نظرتنگ ربوده شد!

سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم؛ لی‌جه میونگ رییس جمهور کره جنوبی، به‌رغم تجارت گسترده در خلیج فارس و احترام زیاد مردم ایران برای این کشور، در یک دهه گذشته همچون گماشته‌ی آمریکا با هدف ازپا درآوردن ایران در تحریم‌های شدید اقتصادی علیه مردم ایران مشارکت داشته و تمام دارایی‌های ما را سالها مسدود کردند و پاسخ تماسها را نمی‌دادند. سال قبل هم برای خودشیرینی عالی‌ترین نشان کره یعنی تاج پادشاهی شیلرا را به ترامپ هدیه کرد!

اگرچه با تأخیر اما بالاخره با اراده جمهوری اسلامی تنگه هرمز بر روی او و اربابش بسته شد. حالا رئیس دفترش می‌گوید کره به شدت به واردات نفت از خاورمیانه وابسته است و خودش هم می‌گوید بحران انرژی خواب را از چشمان من ربوده! و تقاضا دارد هرچه زودتر تنش‌ها کاهش پیدا کرده و تنگه هرمز باز شود.

نظم جدید تنگه هرمز یواش یواش چشمان این موجودات نظرتنگ را باز خواهد کرد!



بسیج ۲۰ میلیونی



همزمان با تهدیدات دشمن آمریکایی-صهیونیستی علیه سواحل، جزایر و مرزهای ایران اسلامی، پویش مردمی «جان فدا» برای مقابله با این تهدیدات و اعلام آمادگی مردم عزیز ایران برای دفاع از خاک کشور، راه اندازی شد. از آغاز به فعالیت سامانه جان فدا تا امروز (۲۳ فروردین) بیش از ۲۱ میلیون نفر برای دفاع از خاک کشور نام نویسی کرده‌اند که این عدد لحظه به لحظه در حال افزایش است. پس از درخواست‌های مردمی برای جهاد مقابل دشمن، کارزاری با نام «جان فدا» به نشانی Janfadaa.ir به راه افتاد تا علاقه‌مندان ضمن نام‌نویسی برای جهاد مقابل دشمن با دشمن آمریکایی-صهیونی اعلام آمادگی کنند.

این پویش حدود دو هفته پیش با هدف جذب داوطلبان برای حضور در جنگ با آمریکا و دفاع از خاک کشور آغاز شد. در همین مدت بیش از ۲۱ میلیون نفر در آن نام‌نویسی کردند. ثبت‌نام بیش از ۲۱ میلیون نفر در سامانه «جان فدا» یادآور فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی در سال ۱۳۵۸ است. این فرمان، مردم را برای دفاع از کشور بسیج کرد و جوانان از سراسر ایران، مشتاقانه راهی جبهه‌های نبرد با دشمن یعنی شدند.

همچنین تاکنون بسیاری از مقامات عالی رتبه کشور از جمله روسای قوای سه‌گانه، وزرای علوم، صمت، راه، جهاد کشاورزی، ورزش، رئیس سازمان صداوسیما و ستاد اجرایی فرمان امام به این پویش پیوسته‌اند.

اجتماعات حماسی مردم در خیابان‌ها، چگونه عناصر اقتدار ایران را تقویت کرد؛

هم سوخت موشک هم پشتوانه دیپلماسی

بیش از ۴۰ روز از شهادت رهبر عزیز و شهید انقلاب می‌گذرد؛ با این حال تجمعات شبانه مردمی در میادین، معابر و خیابان‌ها که نخست در خونخواهی قائد شهید امت و در ادامه برای بیعت با حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای و همچنین حمایت و پشتیبانی از نیروهای مسلح کشورمان برگزار شد، کماکان ادامه دارد و توانسته است تأثیرات مهم و مثبتی بر عناصر امنیت و اقتدار ملی کشور داشته باشد.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

خیابان‌ها از رزمندگان میدان است. حضور حیرت‌انگیز مردم در خیابان، کارآمدی میدان را رقم زده است و این رزم‌پیروزی‌ها و حماسه‌های بعدی است.

میدان، چگونه دیپلماسی را شارژ می‌کند؟

حالا علاوه بر میدان، دیپلماسی و دیپلمات‌ها هم اثرات اجتماعات مردمی را در روی میز مذاکره و در جریان چانه‌زنی و ارتباطات بین‌المللی به وضوح حس می‌کنند و می‌بینند. در این راستا اشاره به مکانیزم تأثیر حضور میدانی مردم بر سیاست خارجی و مذاکرات اهمیت مضاعف دارد.

علاوه بر دلگرمی دیپلمات‌ها و هیات اعزامی ایران به پشتوانه مردمی، این نکته نیز حائز اهمیت است که آمریکا از سالها پیش، آشوب و ناامنی در ایران را به عنوان یک اهرم فشار علیه نظام اسلامی در نظر داشته و دارد. ترامپ در روزها و هفته‌های اخیر بارها و بارها مواضع متعددی را با هدف تحریک مردم ایران و به آشوب کشاندن محیط داخلی کشور مطرح کرده بود. کمپین کمک در راه است و حمایت صریح و مسلحانه از آشوبهای تروریستی دیماه نیز آنچنان که خود غربی‌ها اذعان داشته‌اند با این هدف صورت گرفت تا این برگ در مذاکرات دور قبلی ایران و آمریکا نقد شود.

از جمله فرازهای مهم و قابل توجه در پیام اخیر رهبر معظم انقلاب، تمجید از حضور میدانی مردم ایران و تأکید بر تداوم آن بود. از جمله ایشان فرمودند: «برای رسیدن به «ایران قوی» استمرار حضور مردم عزیزمان همانند چهل روزی که پشت سر گذاشتند ضروری است. نباید با اعلام بناء مذاکرات با دشمن، تصور شود که حضور در خیابانها لازم نیست. اگر بر فرض، ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین‌تر از قبل به نظر می‌رسد. ایشان همچنین خطاب به مردم تأکید داشتند: «مسئلاً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است.»

بیان تأثیر حضور مردم در خیابان بر مذاکرات در حال انجام در اسلام‌آباد، جلوه‌ای تازه از اثرات مجاهدت میدانی مردم ایران است. تا پیش از این و در طول جنگ رمضان، بارها تأثیر تجمعات شبانه بر توان رزمی ایران و اینکه این حماسه مردمی، سوخت موشک‌های هوافضای سپاه است گفته شد؛ همچنانکه سردار سید مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه در اینبار گفته بود: «عقب‌نشینی‌های چندباره دشمن، نتیجه پشتیبانی مردم در

یادداشت

چرا همسایگان جنوبی باید غرامت بدهند؟

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

در هر درگیری یا جنگی، بی‌طرفی همسایگان یک اصل بدیهی و حداقلی است. وقتی کشوری نمی‌خواهد در جنگی دخالت کند، ساده‌ترین و روشن‌ترین رفتار این است که اجازه ندهد خاک، آسمان و امکاناتش در خدمت طرف ثالث قرار بگیرد. اما آنچه از همسایگان جنوبی کشور در جنگ تحمیلی سوم دیده شد، فاصله‌ای آشکار با همین حداقل معیار داشت؛ رفتاری که نه با ادعای بی‌طرفی سازگار بود و نه با تعهداتی که پیش‌تر داده شده بود.

در این جنگ مسئله فقط به حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک آنها محدود نمی‌شود. جدای از آن آنچه قابل چشم‌پوشی نیست این است که عملاً فراتر از محدوده پایگاه‌ها، آب، خاک و آسمان این کشورها به مسیری برای پشتیبانی دشمن تبدیل گشت.

وقتی آسمان یک کشور برای عملیات یا پشتیبانی در اختیار طرف متخاصم قرار می‌گیرد و زیرساخت‌های سرزمینی آن امکان تحرک و دسترسی را فراهم می‌کند، دیگر نمی‌توان از بی‌طرفی سخن گفت. این در عمل نوعی مشارکت مستقیم در فشار و تجاوز علیه یک همسایه است.

از سوی دیگر، بسیاری از همین کشورها پیش‌تر تعهد داده بودند که در هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه همسایه خود مشارکت نخواهند کرد. چنین وعده‌هایی در روابط منطقه‌ای برای حفظ حداقلی از اعتماد داده می‌شود. اما وقتی همان کشورها در عمل مسیرهای لجستیکی و سرزمینی خود را برای دشمن باز می‌گذارند، این تنها یک اختلاف سیاسی نیست؛ بلکه نقض صریح عهد و مسئولیتی است که خودشان پذیرفته بودند. در چنین شرایطی، طرح مطالبه غرامت نه یک شعار و طلب غیر واقعی، بلکه مطالبه‌ای به حق، منطقی و قابل دفاع است.

وقتی اجازه می‌دهند که امکانات سرزمینی شان در اختیار دشمن قرار گیرد و در نتیجه آن باعث ایجاد خسارت‌های مالی و جانی بر ما می‌شوند، طبیعی است که جدای از دریافت پاسخ کوبنده از نیروهای مسلح ما باید در برابر پیامدهای آن من جمله پرداخت غرامت نیز پاسخگو باشند. مسئولیت، فقط زمانی معنا دارد که هزینه نقض تعهدات نیز روشن باشد امری که تا بحال از آن سرباز زده‌اند.

امنیت منطقه‌ای با بیانیته و شعار ساخته نمی‌شود؛ بلکه با رفتار مسئولانه و تنبیه متجاوز و کمک کنندگان به او ساخته می‌شود. اگر کشوری همزمان از یک سو ادعای دوستی و همسایگی داشته باشد و از سوی دیگر مسیرهای حیاتی خود را در اختیار دشمن قرار دهد، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که این رفتار بدون مطالبه و بدون پاسخ باقی بماند.

جدای از مقابله به مثل حداقل انتظار این است که سریعاً مسئولیت این رفتار زنده خود را پذیرفته و خسارت‌هایی که در نتیجه آن ایجاد نمودند را، جبران نمایند.



عصبانیت شبکه صهیونیستی اینترنشنال از حضور مردم

شبکه صهیونیستی اینترنشنال طی گزارشی مدعی شد: همه این مردمی که در این بیش از ۴۰ شب به خیابان‌ها آمدند و در میادین اصلی شهرهای ایران تجمع می‌کنند، هر شب ۲ میلیون تومان می‌گیرند همراه با شام، میوه، شیرینی و شربت!

مشابه این روند در سال ۱۴۰۱ هم رخ داد و در شرایطی که مذاکرات آن زمان به نقطه مشخصی رسیده بود، آشوبهای پاییز آن سال، به طور اساسی مواضع آمریکایی‌ها در مذاکرات را تغییر داد و مطالبات طرف مقابل ایران را جهش داد.

همین رویکرد در بازه زمانی فعلی نیز تکرار شد. رئیس جمهوری آمریکا بارها و بارها سخنانی را در حمایت ادعایی از مردم ایران و با هدف تحریک افکار عمومی ایرانیان مطرح کرد تا بتواند در مقابل شکست‌های نظامی در میدان، اهرمی برای مذاکرات دست و پا کند. در مقابل، حضور میدانی و امنیت‌زای مردم ایران، این توطئه دشمن را خنثی کرد؛ ترامپ از یکی از مهمترین اهرم‌هایی که می‌توانست در شرایط فعلی به کمک او در مذاکره بیاید محروم شد و در مقابل، هیات اعزامی ایرانی دست برتر را پیدا کرد.

عدد خبر
۲۲ درصد

بیشینه تقاضای مصرف برق کشور در هفته سوم سال ۱۴۰۵ (بیستم فروردین ماه) به ۳۸ هزار و ۷۵۵ مگاوات رسید. این میزان مصرف برق در روز مشابه سال قبل، ۴۹ هزار و ۸۱۷ مگاوات بوده است که در سال جاری، ۲۲ درصد کاهش یافت. تقاضای مصرف انرژی برق در طول روز اشاره شده، ۸۰۹.۹۷۲ مگاوات ساعت بوده که نسبت به روز مشابه سال قبل، ۲۵ درصد کاهش یافت. همچنین کاهش تقاضای انرژی برق از ابتدای سال جاری تاکنون، ۲۱ درصد گزارش شده است. میانگین دمای وزنی کشور در روز اشاره شده، ۱۴.۶ درجه سانتی گراد بوده که نسبت به روز مشابه سال قبل، ۸ درجه کاهش نشان می دهد.

عدد خبر
۷.۸ میلیارد دلار

وال استریت ژورنال؛ پس از برقراری آتش بس، ایران گامی تازه در استفاده از رمزارزها برای دور زدن تحریم‌ها و ایجاد منبع درآمدی جدید برداشت. هدف این کشور دریافت عوارض عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز به صورت رمزارز است تا این وجه قابل ردیابی یا مصادره نباشند. ایران قصد دارد از هر بشکه نفت بازرگاری شده روی نفتکش‌های عبوری، معادل یک دلار رمزارز دریافت کند. این روش، امکان بلوکه شدن دارایی‌ها در سیستم بانکی سنتی را از بین می برد. طبق داده‌های شرکت تحلیل بلاکچین «چین الیسیس»، اقتصاد رمزارز ایران هم‌اکنون حدود ۷.۸ میلیارد دلار برآورد می شود. این حجم شامل استخراج بیت‌کوین، استفاده از تتر برای واردات کالاهای اساسی و ذخایر رمزارزی بانک مرکزی ایران است.

عدد خبر
۲۲ ماه

تورم سالانه آمریکا رکورد ۲۲ ماه گذشته و تورم ماهانه رکورد ۴۵ ماه گذشته خود را زد. تورم سالانه در آمریکا در ماه مارس ۲۰۲۶ به ۳.۳ درصد رسید و بالاترین رقم خود طی ۲۲ ماه گذشته را ثبت کرد. کارشناسان اقتصادی می‌گویند جهش تورم عمدتاً ناشی از افزایش شدید هزینه‌های انرژی است که در پی تحولات و تنش‌ها در منطقه خاورمیانه و جنگ با ایران رخ داده است. تورم ماهانه نیز با ثبت بالاترین رقم طی ۴۵ ماه گذشته، فشار اقتصادی بر خانوارها و بازارهای داخلی آمریکا را افزایش داده است. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ادامه روند افزایش تورم می‌تواند موجب بالا رفتن نرخ بهره و کاهش رشد اقتصادی آمریکا شود.

عدد خبر
۷۵۰ هزار بشکه نفت

تحلیلگران بین‌المللی انرژی هشدار می‌دهند که جنگ در ایران و متعاقب آن اختلال در ترانزیت تنگه هرمز، پیش‌بینی‌ها از مازاد عرضه نفت در سال جاری را کاملاً برعکس کرده و بازار را به سمت کسری عرضه سوق خواهد داد. بر اساس نظرسنجی رویترز از ۸ تحلیلگر برجسته، انتظار می‌رود تقاضای نفت در سال ۲۰۲۶ به طور متوسط ۷۵۰ هزار بشکه در روز از عرضه پیشی بگیرد. این در حالی است که پیش‌بینی‌ها در سپتامبر گذشته حاکی از مازاد عرضه ۱.۶۳ میلیون بشکه‌ای برای امسال بود. شدیدترین کسری عرضه در سه ماهه دوم سال (بهار ۲۰۲۶) رخ دهد و بازار با کمبود روزانه حدود ۳ میلیون بشکه نفت مواجه شود.

طلا در ذخایر ارزی جهان از دلار پیشی گرفت؛

روند شتابان دلارزدایی

برای نخستین بار در تاریخ، طلا از دلار آمریکا پیشی گرفته و به بزرگ‌ترین دارایی ذخیره‌ای جهان تبدیل شده است. دارایی‌های ذخیره رسمی طلا با رسیدن به رقم بی‌سابقه ۳/۷۸ تریلیون دلار، ۱۴۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ذخیره‌ای دلار آمریکا (با رقم تعدیل شده ۳/۷۳ تریلیون دلار) فراتر رفته است. از سال ۲۰۲۲ تاکنون، ذخایر طلای بانک‌های مرکزی سه برابر شده، در حالی که دارایی‌های دلاری ۳۰۰ میلیارد دلار کاهش یافته است.

می‌کنند که پایان یافتن سلطه دلار به سادگی و در کوتاه مدت رخ نخواهد داد اما تجارت با ارز غیر از دلار شتاب بیشتری گرفته است. با این حال قدرت دلار تنها به تجارت نفت بستگی ندارد، بلکه ریشه در بازار عظیم یورو دلار، شبکه‌های بانکی، بازارهای اعتباری و سیستم‌های تسویه بین‌المللی دارد. با این حال بانک‌های مرکزی کشورها به طور فزاینده‌ای در حال متنوع‌سازی ذخایر ارزی خود هستند و به جای تکیه بر دلار، به ارزهای دیگر روی آورده‌اند.

آمریکا ۵ سال دیگر توانایی اعمال تحریم ندارد

حرکت به سمت یک نظام مالی چندقطبی غیرقابل انکار است. مارکوروبیو، وزیر امور خارجه آمریکا تاکید کرد: تداوم این روند می‌تواند ۵ سال آینده، به دلیل گستردگی مبادلات با ارزهای جایگزین، کارایی و توانایی اعمال تحریم‌های مالی مبتنی بر دلار را به شدت کاهش دهد. او در توثیقتی نوشت: پنج سال دیگر، دیگر نیازی نخواهد بود درباره تحریم‌ها صحبت کنیم، زیرا آن‌قدر کشورهای زیادی با ارزیابی غیر از دلار مبادله خواهند کرد که ما دیگر توانایی اعمال تحریم علیه آن‌ها را نخواهیم داشت.

روزنامه گاردین در گزارشی با اشاره به هزینه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و افزایش کسری بودجه آمریکا نوشت: اختلال در تنگه هرمز و گسترش معاملات با یوان نظم انرژی و مالی جهان را به طور بنیادین تغییر داده است. کشورهای نظیر چین، روسیه، هند و برزیل به دنبال راهکارهایی برای کنار گذاشتن دلار و تنوع بخشی به نظام تجاری و مالی خود هستند. برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند جنگ جاری در منطقه روند «دلارزدایی» را که پیش از این نیز آغاز شده بود به طور قابل توجهی تسریع کرده است.

هشدار برای اقتصادهای نوظهور بود. در واکنش به این اتفاق، کشورهای نظیر چین، هند و ترکیه خرید طلا را به شدت افزایش دادند. همچنین طلا، ابزار قدرتمندی برای دور زدن تحریم‌هاست و بانک‌های مرکزی محافظه‌کارترین نهادها در جهان هستند و زمانی که با این سرعت طلا می‌خرند یعنی به ثبات بلندمدت دلار تردید دارند. به این ترتیب، حتی ممکن است در آینده، کشورها قراردادهای نفتی یا تجاری خود را به جای دلار، با طلا یا ارزهای پشتوانه دار تسویه کنند و این تضعیف بیشتر دلار را در پی خواهد داشت.

آمارها نشان می‌دهد چین اخیراً حدود ۶۲۳ میلیارد دلار از اوراق خزانه آمریکا را فروخته و دارایی دلاری خود را به ۶۹۴ میلیارد دلار (کمترین میزان از سال ۲۰۰۸) کاهش داده است. در مقابل، ذخایر طلای چین برای ۱۷ ماه متوالی افزایش یافته و به رکورد ۳۴۳ میلیارد دلار رسیده است. این اقدام پیام روشنی از تمایل چین برای خروج تدریجی از سیستم مالی وابسته به آمریکا است.

تسلط سیستم «پتrodollar» نیز در حال تضعیف است. در حال حاضر حدود ۲۰ درصد از تجارت نفت جهان با ارزهای محلی تسویه می‌شود. کشورهایمانند چین، روسیه، هند و برزیل در خط مقدم این تغییر قرار دارند و توافق‌نامه‌های متعددی برای تجارت با ارزهای غیردلاری امضا کرده‌اند. کارشناسان هشدار می‌دهند که تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند به عنوان کاتالیزوری برای گذار از پتrodollar به پترویوان عمل کند. با وجود این آمارها، کارشناسان تاکید



محسن نظری

روزنامه نگار

افول سلاح مالی آمریکا

نشریه فایننشال تایمز درباره تضعیف دلار به عنوان ابزار ژئوپلیتیک آمریکا نوشت؛ بر اساس ضرب‌المثل قدیمی میان بانکداران، تهدیدات مالی آمریکا در حال از دست دادن کارایی خود هستند. نظام دلاری که زمانی منبع ثبات جهانی بود، اکنون به ثبات جهانی و یکم و ۳۰ سال گذشته است. معنی این است که در این شرایط، نظام مالی جهانی دیگر مانند گذشته به عنوان سلاحی در دست آمریکا عمل نمی‌کند، بلکه به ابزاری برای تقویت قدرت رقبا آن تبدیل شده است.

خبر کوتاه

چرا آمریکا و اسرائیل به

زیرساخت‌های کشور حمله کردند؟

علیرغم ۴۷ سال تحریم بی‌سابقه، اقتصاد ایران از وابستگی مطلق به درآمدهای نفتی رها شده و به یکی از قطب‌های اصلی تولید فولاد و پتروشیمی در غرب آسیا تبدیل شده است. ایران با تولید سالانه حدود ۳۵ میلیون تن فولاد، در جایگاه دهم جهان قرار دارد؛ در حالی که رژیم اسرائیل با تولید یک تا دو میلیون تن، فاصله‌ای عمیق با زیرساخت‌های صنعتی ایران دارد. صنعت فولاد به عنوان «مادر صنایع»، ستون فقرات اقتصاد و پیش‌نیاز فعالیت بیش از هزار کارخانه پایین‌دستی در بخش‌هایی مانند مسکن، خودروسازی و لوازم خانگی است.

آمریکا و رژیم صهیونیستی پس از آنکه در جنگ رمضان شکست خوردند و به اهداف خود نرسیدند، راهبرد خود را به تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی کشور تغییر دادند؛ اقدامی نشان می‌دهد مخالف شکل‌گیری یک ایران قوی، توسعه یافته و مستقل هستند. در جریان این حملات، صنایع کلیدی از جمله مجتمع‌های بزرگ فولادی مانند فولاد مبارکه اصفهان، خوزستان، هرمزگان و کویر، تأسیسات مهم پتروشیمی و زیرساخت‌های مواصلاتی نظیر پل B1 کرج (بزرگ‌ترین پل خاورمیانه که نماد توانمندی مهندسان داخلی است) هدف قرار گرفت. در مقابل، نیروهای مسلح کشورمان دارایی‌ها و صنایع دشمن را مورد حمله قرار دادند. در بخش پتروشیمی، ایران با ظرفیت اسمی ۹۶ میلیون تن و صادرات بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار، جایگاه ویژه‌ای در خاورمیانه دارد. حسین علی‌مراد، مدیر پیشین در شرکت ملی پتروشیمی، می‌گوید حملات هدفمند به مجتمع‌هایی پتروشیمی ضربه به شریان‌های اصلی تأمین ارز کشور است؛ زیرا این صنعت بیش از ۲۵ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد.

رضا غلامی، کارشناس اقتصادی نیز این تهاجم نظامی و اقتصادی را ناشی از شکست قطعی سیاست‌های تحریمی در توقف پیشرفت همه‌جانبه ایران می‌داند. به گفته او دشمنان که تبدیل شدن ایران به قدرت برتر و بلامنازع منطقه را نمی‌پذیرند، با هدف بازگرداندن کشور به «عصر حجر»، زیرساخت‌های حیاتی و تولیدی را بمباران کردند. آمارها حاکی از آن است که مجموع صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۵۱ میلیارد و ۶۵۷ میلیون دلار رسیده است که سهم عمده و کلیدی آن به صنایع مادر، یعنی فولاد و پتروشیمی اختصاص دارد. در نهایت، هدف دشمن از تخریب این صنایع استراتژیک، صرفاً وارد کردن خسارت فیزیکی نیست؛ بلکه تلاشی عامدانه برای فلج کردن زنجیره تأمین صدها صنعت پایین‌دستی و دور کردن قطعی اقتصاد ایران از مسیر توسعه پایدار است.

بررسی ظرفیت‌های ایران نشان می‌دهد؛

جنگ رمضان و آزمون بزرگ اقتصاد مقاومتی

این گذار عنوان می‌کنند که اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌گرا، تجربه تاب‌آوری در جنگ رمضان، فرصت‌های تازه درآمدی و سرمایه‌گذاری، و شرط‌های نهادی و اجتماعی عبور؛ یعنی وحدت ملی، امنیت و حکمرانی کارآمد است.

اقتصاد ایران اگرچه زیر فشار ۴۷ سال تحریم‌ها، و محدودیت‌های خارجی قرار داشته، اما مجموعه‌ای کم‌نظیر از ظرفیت‌های داخلی و امکان‌های جدید برای گذار به یک «اقتصاد مقاوم، پویا و رو به توسعه» در اختیار دارد. کارشناسان چهار محور اصلی برای



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

با طراحی به‌موقع سیاست‌های حمایتی می‌توان از خاموشی معیشت جلوگیری کرد. این تجربه، هم‌میزان آسیب‌پذیری و هم ظرفیت مدیریت بحران در اقتصاد ایران را آشکار ساخت و به‌مثابه یک آزمون میدانی برای اقتصاد مقاومتی عمل کرد.

در کنار این تاب‌آوری، افق‌های جدیدی برای درآمدزایی و تأمین مالی مطرح است. جایگاه راهبردی تنگه هرمز، که ۲۰ تا ۳۰ درصد انرژی جهان از آن عبور می‌کند، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ظرفیت‌ها برجسته شده است. برآوردها از امکان کسب سالانه ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد از عوارض عبور انرژی، در صورت طراحی حقوقی درست رانشان می‌دهد که ایران علاوه بر درآمدهای نفت و گاز، می‌تواند یک منبع پایدار و مستقل جدید برای تأمین مالی بازسازی، حمایت از بیکاران و توسعه زیرساخت‌ها ایجاد کند.

کشورمان در جنگ رمضان خود قدرتمندی خود را به نمایش گذاشت و حالا به‌عنوان یک بازیگر اثرگذار و مهم در اقتصاد جهانی شناخته می‌شود. با این حال چشم‌انداز بازگشت ایران به چرخه تعاملات بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری و هدایت منابع به سمت تولید و بخش مولد اقتصاد، ظرفیت دیگری است که می‌تواند سرمایه و فناوری لازم برای توسعه صنعت نفت و گاز، بهبود تولید و صادرات و انتقال دانش فنی را فراهم کند. اما عبور از وضعیت فعلی به یک اقتصاد قدرتمند و پایدار، صرفاً با اتکا

به منابع مادی ممکن نیست؛ سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی، وحدت ملی و امنیت ملی» به‌عنوان ستون‌های اصلی این گذار مطرح است. اقتصاد مقاومتی بدون امنیت سرمایه‌گذاری و بدون احساس ثبات در میان فعالان اقتصادی، عملیاتی نمی‌شود. تجربه ۴۰ روز مقاومت و همراهی مردم نشان داد که جامعه ایرانی در شرایط سخت، ظرفیت بالایی برای ایستادگی دارد؛ این انرژی اجتماعی اگر به سمت «رقابت اقتصادی» و توسعه هدایت شود، می‌تواند زیربنای گذار باشد.

برای تبدیل این ظرفیت‌ها به یک راه‌گذار روشن، چند اقدام کلیدی باید مدنظر قرار بگیرد. نخست، ترجمه‌ی شعار سال و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به برنامه‌های عملیاتی در سطح ملی و استانی و تدوین نسخه‌های بومی شده است. فعال‌سازی ظرفیت علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها از طریق ایجاد «میزشعار سال» و تقویت گفتمان علمی پیرامون اقتصاد مقاومتی، وحدت و امنیت به‌عنوان دومین اقدام باید در دستور کار باشد. این امر می‌تواند هم ذهنیت عمومی را هدایت کند و هم راه‌حل‌های کارشناسی برای مشکلات ارائه دهد. سومین اقدام تمرکز فوری بر حمایت از صنایع و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از جنگ، از طریق پرداخت‌های حمایتی، جبران خسارت بنگاه‌های کلیدی و تسهیل دسترسی آنها به منابع مالی است.

یادداشت

کارت برنده ایران در شاهراه جهانی

محسن قمصری

مدیر اسبق امور بین‌الملل شرکت نفت ایران

در پی تحولات اخیر و وقفه‌ای که در جریان جنگ رمضان و صادرات نفت از مسیر تنگه هرمز ایجاد شد، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که احتمال بازگشت سریع قیمت نفت به سطح قبلی، یعنی حدود ۷۰ دلار، چندان بالا نیست. قیمت نفت در بازارهای جهانی صرفاً براساس عرضه و تقاضای فیزیکی تعیین نمی‌شود، بلکه بخش قابل توجهی از نوسانات آن ناشی از فعالیت‌های سفته‌بازانه در بازارهای بورس انرژی جهان است. تجربه آغاز درگیری‌ها نیز نشان داد که با وجود توقف یا اختلال در صادرات از تنگه هرمز، بازیگران بازار اجازه ندادند قیمت نفت از حدود ۱۲۰ دلار فراتر رود.

حالا با وجود توقف موقت درگیری‌ها، هنوز شرایط عبور و مرور در تنگه هرمز به وضعیت عادی گذشته بازنگشته است. علاوه بر این، برخی دیدگاه‌ها بر ضرورت تعریف یک رژیم حقوقی جدید برای مدیریت این تنگه از سوی کشورمان تأکید دارند. با توجه به اهمیت راهبردی تنگه هرمز در انتقال انرژی جهان، انتظار نمی‌رود در کوتاه‌مدت شرایط بازار نفت کاملاً به وضعیت پیشین بازگردد.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی در جهان است؛ حدود ۲۰ درصد نفت جهان از این مسیر عبور می‌کند. هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند بازار جهانی انرژی را از بخش قابل توجهی از عرضه خود محروم کند و به‌طور طبیعی موجب نوسان و افزایش قیمت‌ها شود.

از منظر حقوق دریایا، آب‌های ساحلی کشورها تا فاصله ۱۲ مایل دریایی از خط ساحل به عنوان قلمرو دریایی آن‌ها شناخته می‌شود. از آنجا که عرض تنگه هرمز کمتر از ۲۴ مایل دریایی است، عملاً کل عرض تنگه در محدوده آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار می‌گیرد. به همین دلیل، نحوه اعمال حاکمیت و مدیریت عبور و مرور در این منطقه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود و تعریف سازوکارهای حقوقی و اجرایی مناسب، از مزیت راهبردی تنگه هرمز برای تأمین منافع اقتصادی کشور استفاده کند. یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود امکان دریافت عوارض عبور از کشتی‌هاست.

در بسیاری از تنگه‌های مهم جهان، دریافت عوارض عبور امری معمول است و ارقامی در حدود ۴ تا ۶ دلار برای هر عبور مطرح می‌شود. البته میزان دقیق درآمد به نوع تعرفه‌ای که تعیین می‌شود و حجم تردد کشتی‌ها بستگی دارد. همچنین نباید توجه را صرفاً به نفت معطوف کرد؛ علاوه بر نفتکش‌ها، کشتی‌های کانتینری، فله‌برها و کشتی‌های حامل فرآورده‌های مختلف نیز از این مسیر عبور می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد تجارت غیرنفتی جهان نیز از این منطقه عبور می‌کند. به همین دلیل، در صورت طراحی و اجرای یک رژیم حقوقی و اقتصادی مناسب برای عبور و مرور کشتی‌ها، این مسیر می‌تواند منبع درآمد بسیار قابل توجهی برای کشورمان باشد.

مسیر عبور از بحران به رونق

مسیر گذار اقتصاد ایران از وضعیت پرچالش کنونی به یک اقتصاد مقاوم، رقابتی و رو به رشد، در ترکیب چند عنصر خلاصه می‌شود: بهره‌گیری هوشمندانه از موقعیت ژئواکونومیک کشور به‌ویژه تنگه هرمز و انرژی، تکیه بر توان و دانش داخلی در تولید و فناوری و حفظ و تعمیق وحدت ملی و امنیت برای سرمایه‌گذاری. اگر این عناصر در قالب یک نقشه راه منسجم، با حکمرانی کارآمد و پرهیز از شعارزدگی اجرایی شود، اقتصاد ایران می‌تواند از تجربه جنگ و تحریم، پلی برای ورود به مرحله‌ای جدید از توسعه و اقتدار بسازد.

گزارش بانک جهانی از پیامدهای جنگ علیه ایران بر اقتصاد جهان

بر اساس گزارش جدید بانک جهانی، درگیری‌های جنگ علیه ایران، آسیب‌های جدی بر اقتصاد جهانی وارد کرده است. آجای بانگا، رئیس این نهاد بین‌المللی، می‌گوید حتی با وجود آتش‌بس موقت کنونی، پیامدهای این بحران اجتناب‌ناپذیر است. وضعیت بازگشایی یا تداوم انسداد تنگه هرمز نیز به‌عنوان یک چالش کلیدی در ثبات آینده مطرح است. برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که حتی در سناریوی پایه و پایان زود هنگام درگیری‌ها، رشد اقتصاد جهانی بین ۰.۳ تا ۰.۴ واحد درصد کاهش می‌یابد؛ اما در صورت طولانی شدن جنگ، این افت به یک واحد درصد خواهد رسید. تورم جهانی نیز با جهشی بین ۲۰ تا ۳۰ واحد پایه (bp) مواجه خواهد شد. کشورهای در حال توسعه آسیب‌پذیری بیشتری دارند؛ به طوری که پیش‌بینی رشد اقتصادی آن‌ها برای سال ۲۰۲۶ از ۴ درصد به ۳.۶۵ درصد و در سناریوی شدید به ۲.۶ درصد تنزل خواهد یافت. هم‌زمان، تورم در این اقتصادها به ۴.۹ درصد و در بدترین حالت تا ۶.۷ درصد افزایش خواهد یافت.

عوامل بحران‌زا و چالش‌های مالی این جنگ موجب جهش ۵۰ درصدی قیمت نفت و اختلال گسترده در زنجیره تأمین گاز، کود، هلیوم و همچنین رکود در گردشگری و حمل‌ونقل هوایی شده است. بانگا هشدار داد که بدهی سنگین، توانایی کشورهای در حال توسعه را برای مقابله با این شوک‌ها محدود کرده است.



خبر

بین الملل

کارلسون: ترامپ زیر فشار سنگین لابی‌های اسرائیل قرار دارد

تاکنون کارلسون، مجری و تحلیلگر شناخته شده آمریکایی، در اظهارات و یادداشتی جنجالی خطاب به دونالد ترامپ، مدعی شد رئیس‌جمهور سابق آمریکا در شرایطی (پرفشار و پیچیده) از سوی برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای قرار گرفته است؛ فشاری که به گفته او، در رسانه‌های جریان اصلی کمتر بازتاب داده می‌شود. کارلسون در بخشی نیز مطرح کرده است که دولت اسرائیل در تاریخ روابط خود با رؤسای جمهور آمریکا از ابزارهای فشار سیاسی استفاده کرده است؛ ادعایی که او برای آن به نمونه‌هایی در دهه ۱۹۹۰ اشاره می‌کند و آن را به ماجرای روابط سیاسی و پرونده‌های امنیتی آن دوره مرتبط می‌داند.

او همچنین در ادامه تحلیل خود، فضای سیاسی پیرامون ترامپ را «سنگین و چندلایه» توصیف کرده و گفته است که مواضع اخیر او درباره جنگ و صلح در خاورمیانه، به ویژه در ارتباط با ایران، با فشارهای گسترده از سوی گروه‌های مختلف سیاسی و رسانه‌ای مواجه است. به گفته کارلسون، برخی جریان‌های حامی سیاست‌های تهاجمی در منطقه تلاش دارند مسیر تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید را تحت تأثیر قرار دهند. این تحلیلگر آمریکایی در بخش دیگری از صحبت‌های خود اشاره کرد که اختلافات سیاسی در داخل آمریکا و فشارهای خارجی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های ترامپ اثرگذار باشد و حتی او را از برخی وعده‌های انتخاباتی‌اش دور کند.



چرا راهبرد آمریکا در قبال اروپا در حال اضمحلال است؟

فروپاشی روانی سیاست خارجی آمریکا

رشته‌های پیوند میان اروپا و آمریکا در قبال ناتو هر روز بیشتر در معرض گسسته شدن قرار می‌گیرد. تقریباً اروپایی‌ها به مسئله ائتلاف‌سازی بدون آمریکا یا تنظیم روابط خود با آمریکا پس از خروج از ناتو به چشم یک دل‌مشغولی روزمره می‌نگرند و در رابطه با آن تامل می‌کنند. وضعیت رابطه این متحدان قدیمی چنان خطرناک شده است که امروز دیگر در میان اروپایی‌ها بحث از خطر حاکمیتی آمریکا برای کشورهای اروپایی است. در یک گزارش مفصل، اندیشکده کازنگی به این مسئله می‌پردازد.

چانه‌زنی تعبیر می‌شود، اکنون رنگ و بویی تهدیدآمیزتر به خود می‌گیرد.

بر اساس گزارش، آمریکا عملاً در تلاش است تا اروپایی‌ها به تنها بدل به یک مشتری بزرگ ببیند ولی تحقیر دائمی آنان، اروپایی‌ها را وا می‌دارد تا از اتکای صرف به آمریکا بکاهند «دولت ترامپ می‌خواهد اروپا را از یک نوع وابستگی به آمریکا (تأمین امنیت) به نوعی دیگر (وابستگی به زنجیره‌های تأمین آمریکا برای تسلیحات و تجهیزات خریداری شده) منتقل کند. هدف، یک اروپای خودکفا نیست، بلکه مشتری بزرگ‌تری است. اما وقتی ترامپ حاکمیت اروپا را تهدید می‌کند و رهبران اروپایی را تحقیر، اروپا تلاش خواهد کرد تا حد ممکن هزینه‌های جدید خود را در داخل صرف کند و شرکای وارداتی خود را متنوع سازد».

تیر خلاص گزارش آن جا است که به باور اروپایی‌ها، سیاست خارجی آمریکا اکنون به وضعیتی دچار است که می‌توان آن را نوعی فروپاشی روانی دانست «در کنار این مسائل فوری، اروپایی‌ها هنوز در حال هضم و مواجهه با ابهام بلندمدتی هستند که از این واقعیت ناشی می‌شود: نزدیک‌ترین متحدشان دچار چیزی شده که بسیاری آن را معادل ژئوپلیتیکی یک «فروپاشی روانی» می‌دانند. این پرسش که آیا اروپا می‌تواند دوباره به آمریکا اعتماد کند یا نه، به موضوعی تکراری در نشست‌ها و محافل بدل شده، اما همچنان مطرح می‌شود. کنار گذاشتن دهه‌ها خرد راهبردی تثبیت شده در آمریکا، که بر منافع امنیتی و اقتصادی متقابل اتحاد‌های مبتنی بر ارزش‌ها تأکید داشت را نمی‌توان صرفاً یک استثنا دانست؛ به ویژه وقتی رأی دهندگان آمریکایی دوبار رئیس‌جمهوری را برگزیده‌اند که این اصل بنیادین سیاست خارجی آمریکا را به طور کامل رد کرده است».

برنامه ریزی کنند یا نه.

نویسنده بر آن است که مدافعان این رویکرد مواجهه آمریکا با اروپا از چیزی نام می‌برند که شاید بتوان نام آن را «عشق سخت گیرانه» نامید، ولی وضعیت به باور گزارش بسیار وخیم‌تر از عشق سختگیرانه است «جاه طلبی‌های مکرر ترامپ درباره گرینلند از جمله استفاده از تعریف‌ها و حتی مطرح کردن احتمال تهاجم به قلمرو حاکمیتی یکی از متحدان ناتو، دیگر «عشق سخت‌گیرانه» نیست. این رفتارها را فقط می‌توان تهاجمی، خصمانه و همراه با اجبار دانست. همچنین، تشویق و حمایت رسمی جی‌دی وونس و مارکو روبریو از احزاب راست افراطی، به مداخله سیاسی ولادیمیر پوتین در دموکراسی‌های اروپایی شباهت دارد».

اروپایی‌ها اکنون دیگر به آمریکا به چشم بی‌اعتمادی نمی‌نگرند، بلکه این کشور را عملاً به چشم یک تهدید می‌بینند «پس از دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، اروپایی‌ها می‌دانستند که او می‌تواند شریک دشواری باشد. اکنون اما با چیزی مواجه‌اند که تا پیش از این تصور هم نمی‌رفت: آمریکا می‌تواند خطرناک باشد و حتی تهدیدی جدی و عامدانه علیه منافع و امنیت اروپا به شمار آید. از این پس، وقتی اروپایی‌ها تلاش کنند مواضع واشنگتن را در موضوعاتی چون سیاست صنعتی دفاعی، اوکراین یا چین تفسیر کنند، این واقعیت را به یاد خواهند داشت که ایالات متحده پیش‌تر حاکمیت آن‌ها را تهدید کرده است. پیام‌های دوپهلوی که قبلاً شاید به عنوان ناهماهنگی بوروکراتیک یا تاکتیک‌های



احسان میرباقری

روزنامه نگار

به باور اندیشکده کازنگی، آمریکایی‌ها اصولاً در رابطه با آمریکا در وضعیت سردرگمی به سر می‌برند «رفتارها، مواضع علنی و سیاست‌های دولت دونالد ترامپ، وضعیت راهبردی آمریکا در قبال اروپا را دچار انحراف کرده و به جای اطمینان بخشی، چیزی را جایگزین آن کرده که می‌توان آن را «ابهام غیرراهبردی» نامید. بله، اروپایی‌ها از دیدن این که مهم‌ترین متحدشان رویکردی تقابلی و تهاجمی در پیش گرفته، شوکه و هراسان شده‌اند. اما مشکل اصلی، نیت مبهم ترامپ است. اروپایی‌ها به طور قابل درکی سردرگم‌اند که در چه زمینه‌هایی می‌توانند روی ایالات متحده حساب کنند و در چه مواردی نه؛ این که آمریکا واقعاً چه می‌خواهد؛ و این که آیا واشنگتن به یک راهبرد مشخص، آن قدر پایبند خواهد ماند که اروپایی‌ها بتوانند بر اساس آن

یادداشت

پایان خوش گذرانی آمریکایی‌ها در خلیج فارس

نوید شفیعی
روزنامه نگار

تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس بار دیگر نشان داد که معادلات امنیتی در غرب آسیا در حال تغییر است؛ تغییراتی که بیش از همه جایگاه و کارآمدی حضور نظامی ایالات متحده در منطقه را زیر سؤال برده است. حملات ایران به برخی مواضع و تأسیسات مرتبط با نیروهای آمریکایی، تصویری متفاوت از توازن قدرت در منطقه ارائه داد؛ تصویری که در آن پایگاه‌های نظامی آمریکا، که سال‌ها به عنوان نماد برتری نظامی واشنگتن معرفی می‌شدند، اکنون با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند.

گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های بین‌المللی نیز این واقعیت را تا حدی بازتاب داده‌اند. در همین زمینه، «میدل ایست آی» در گزارشی به این نکته اشاره کرده است که برخی کارشناسان نظامی معتقدند پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس پس از حملات ایران عملاً کارایی پیشین خود را از دست داده‌اند. در این گزارش تأکید شده است که آسیب‌های وارد شده به تعدادی از این مراکز نظامی، نه تنها توان عملیاتی آنها را کاهش داده بلکه نشان داده است که این پایگاه‌ها بیش از آنکه عامل بازدارندگی باشند، خود به نقاط آسیب‌پذیر تبدیل شده‌اند.

واقعیت آن است که ساختار حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس از دهه‌ها پیش بر پایه شبکه‌ای از پایگاه‌ها و تأسیسات لجستیکی شکل گرفته بود؛ شبکه‌ای که قرار بود امکان واکنش سریع و اعمال قدرت نظامی در منطقه را برای واشنگتن فراهم کند. اما تحولات اخیر نشان داد که این ساختار، در برابر توان موشکی و پهپادی بازیگران منطقه‌ای به ویژه ایران، دیگر آن استحکام گذشته را ندارد. بسیاری از این پایگاه‌ها که زمانی به عنوان ستون‌های راهبرد نظامی آمریکا در منطقه شناخته می‌شدند، اکنون با آسیب‌های قابل توجهی دیده‌اند یا کارآمدی عملیاتی آنها به شدت کاهش یافته است.

در چنین شرایطی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، پیامدهای راهبردی این تحولات است. خسارات گسترده‌ای که به زیرساخت‌های نظامی آمریکا وارد شده، تنها یک مسئله نظامی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تغییر در توازن قدرت و کاهش قابلیت بازدارندگی سنتی واشنگتن در منطقه به شمار می‌رود. این مسئله همچنین نشان می‌دهد که اتکای صرف به پایگاه‌های ثابت نظامی در محیطی که فناوری‌های موشکی و پهپادی به سرعت در حال گسترش هستند، دیگر نمی‌تواند همان نقش گذشته را ایفا کند. از سوی دیگر، این وضعیت پرسش‌های جدی درباره آینده حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس مطرح کرده است. اگر پایگاه‌هایی که قرار بود ضامن امنیت و برتری نظامی واشنگتن باشند اکنون خود به اهدافی آسیب‌پذیر تبدیل شده‌اند، طبیعی است که کارآمدی این مدل حضور نظامی مورد بازنگری قرار گیرد. به نظر می‌رسد تحولات اخیر نه تنها معادلات امنیتی منطقه را دگرگون کرده، بلکه نشان داده است که عصر اتکای مطلق آمریکا به پایگاه‌های نظامی گسترده در خلیج فارس نیز به تدریج به پایان خود نزدیک می‌شود و آمریکا محکوم به اخراج است.

آمریکا؛ تهدید جدی برای اروپا

پس از دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، اروپایی‌ها می‌دانستند که او می‌تواند شریک دشواری باشد. اکنون اما با چیزی مواجه‌اند که تا پیش از این تصور هم نمی‌رفت: آمریکا می‌تواند خطرناک باشد و حتی تهدیدی جدی و عامدانه علیه منافع و امنیت اروپا به شمار آید.

مذاکرات اسلام آباد با چالش بدعهدی و خیانت آمریکا همراه بود؛

خلف وعده در ساعت صفر

حوالی ظهر شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵، نخستین دور مذاکرات ایران و آمریکا برای پایان دادن به جنگی که مایه آبروریزی برای واشنگتن و تل‌آویو شد، با میانجیگری پاکستان آغاز گشت؛ پیش‌مذاکراتی که برگزار شد پیش از آنکه نوید صلح بدهد،

بوی تردید، بی‌اعتمادی را در خود داشت و علائم این مساله به خوبی هویدا شد که مذاکره با آمریکا باز هم سرانجام خوبی نخواهد داشت. آمریکا حتی با اقدامات ۴۸ ساعت گذشته نیز دیوار بی‌اعتمادی را بلندتر کرد.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

عبور از خطوط قرمز که هیچ کدام از روسای جمهور پیش از او جرأت نزدیک شدن به آن را هم نداشتند، نشان داد که معادله جدیدی در حال شکل‌گیری است؛ معادله‌ای که در آن، جنگ و مذاکره نه گزینه‌های متفاوت، بلکه ابزارهایی مکمل برای تحقق یک هدف واحد هستند. نقش رژیم صهیونیستی در این میان، نه پنهان است و نه قابل انکار. ساختار سیاسی آمریکا سال‌هاست در سیطره لابی‌هایی قرار دارد که تعهد به اسرائیل را به پیش‌شرط بقا در قدرت تبدیل کرده‌اند. ترامپ در این میان، پارافرانز گذاشت و با تبعیت کامل از خواسته‌های تل‌آویو، قمار خطرناک حمله به ایران را کلید زد؛ قمار که نه تنها به شکست راهبردی آمریکا انجامید، بلکه به تثبیت برتری ایران در معادلات منطقه‌ای، به‌ویژه در تنگه هرمز منجر شد. یک سال گذشته، پس از بازگشت دوباره ترامپ به قدرت، مملو از نشانه‌هایی است که نشان می‌دهد آمریکا نه به دنبال انتخاب میان جنگ و مذاکره، بلکه در پی تحقق پروژه‌ای کلان است؛ پروژه‌ای که هدف نهایی آن، تضعیف، فروپاشی و در نهایت تجزیه ایران است. در این چارچوب، خیانت‌های مکرر به روند مذاکرات هسته‌ای، حتی در برابر اقدامات حسن‌نیت‌آمیز ایران، تنها بخشی از یک طراحی پیچیده بوده است. اما جنگ تحمیلی سوم، معادلات را برهم زد.

نبرد ۴۰ روزه نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، ساختار نظامی و سیاسی ایران نه تنها فرو نمی‌پاشد، بلکه بازتولید قدرت می‌کند. شهادت رهبری نیز نه تنها خلأ ایجاد نکرد، بلکه انسجامی بی‌سابقه در میان مردم و حاکمیت پدید آورد. مهم‌تر از همه، تسلط ایران بر تنگه هرمز، رؤیای فلج‌سازی اقتصادی کشور را به کابوسی برای طراحان آن تبدیل کرد.

اکنون، مذاکره به میدان جدیدی برای اعمال فشار تبدیل شده است؛ تلاشی برای گرفتن دستاوردهای جنگ از میز سیاست. تجربه برجام نشان داده که چگونه می‌توان پیروزی‌های میدانی را در پیچ‌وخم مذاکرات از دست داد. اما این بار، معادله متفاوت است. ایران نه تنها دست بالا را در میدان دارد، بلکه در نردبان تصعید تنش نیز از ابزارهایی برخوردار است که می‌تواند معادلات منطقه‌ای و حتی داخلی آمریکا را دگرگون کند.

در چنین شرایطی، عقب‌نشینی در موضوعاتی چون تنگه هرمز، حق غنی‌سازی، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای، نه یک مصالحه، بلکه تکمیل پازل دشمن خواهد بود؛ پازلی که پیش‌تر در عراق و لیبی به اجرا درآمد. اکنون نیز تحولات مذاکرات اسلام‌آباد نشان می‌دهد درب دیپلماسی همچنان برپایه‌ای سست قرار دارد.

لزوم مراقبت مذاکره‌کنندگان

مذاکرات ۲۲ فروردین،

در سایه بدعهدی

آمریکا و رژیم

صهیونی و لفاظی‌های

ترامپ برگزار شد. با

اینحال باید هشدار

داد که نباید هیات

مذاکره‌کننده با

خوش بینی و گاهی

خوش‌خیالی‌های

گذشته که بعداً با

آتش جنگ تحمیلی

دوم و سوم رسوایی

درست کرد مسیر

مذاکرات را پیگیری

کنند.

یادداشت

روایت اقتدار

در میدان و رسانه

نوید شفیعی
روزنامه‌نگار

دفاع مقدس سوم که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، صحنه‌ای چندلایه از نمایش قدرت، تدبیر و بلوغ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. در این میدان، آنچه بیش از پیش جلب توجه می‌کند، هم‌افزایی هوشمندانه میان میدان و رسانه است.

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های این نبرد، اصلاح کاستی‌های جنگ ۱۲ روزه در حوزه اطلاع‌رسانی و روایت‌سازی بود. نیروهای مسلح با درک دقیق این خلأ، با تعیین سخنگوی مشخص برای قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، انسجامی در اطلاع‌رسانی ایجاد کردند که پیش از این کمتر دیده شده بود. این اقدام، در شرایطی که دستگاه اجرایی کشور در موضع‌گیری‌های رسانه‌ای دچار پراکندگی بود، عملاً خلأ موجود را پر کرد.

در کنار این انسجام، بهره‌گیری از ابزارهای نوین رسانه‌ای نیز به نقطه عطفی در این نبرد بدل شد. انتشار تصاویر لحظه شلیک موشک‌ها و نمایش چهره‌های مصمم و جان‌برکف نیروهای هوافضا، نه تنها بازتابی از اقتدار نظامی بود، بلکه با احضار ناخودآگاه اسطوره‌های ملی همچون آرژان کمانگیر و رستم دستان، روح حماسی ایرانیان را نیز بیدار کرد. این پیوند، روایت جنگ را از یک رخداد صرف نظامی به یک حماسه ملی ارتقا داد.

از سوی دیگر، ایده نگارش پیام‌ها بر بدنه موشک‌ها، به عنوان یک ابتکار رسانه‌ای، بُعدی فراتر به این نبرد بخشید. این پیام‌ها، صرفاً شعار نبودند؛ بلکه بیانیه‌هایی فشرده از اهداف الهی و انسانی ایران در این تقابل به شمار می‌رفتند. پیامی که فراتر از مرزهای جغرافیایی، خطاب به همه آزادگان و مظلومان مبارزه‌شده؛ اینکه این انتقام، نه فقط برای ایران، بلکه برای تمامی قربانیان جنایت صهیونیسم و استعمار است.

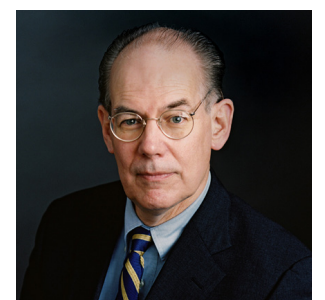
در عرصه فضای مجازی، نیز ایران حضوری فعال و هدفمند داشت. فرماندهان و نهاد‌های نظامی با بیان دقیق و سنجیده مواضع، توانستند در میان هیاهوی توهین‌ها و لجن‌پراکنی‌هایی که از سوی چهره‌هایی چون ترامپ و هگست مطرح می‌شد، روایت خود را تثبیت کنند. این حضور، نه تنها دفاعی نبود، بلکه تهاجمی و مبتنی بر ابتکار عمل بود.

در این میان، اگرچه دولت در مجموع عملکرد درخشانی در این میدان نداشت، اما برخی چهره‌های سیاسی با ورود به این عرصه، تا حدی این ضعف را جبران کردند. توثیقاتی که شهید لاریجانی و عارف معاون اول رئیس‌جمهور، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بود. قالیباف با شناخت دقیق از ساختار ذهنی و رسانه‌ای جامعه آمریکایی، توانست پیام ایران را به درستی و با ادبیاتی قابل فهم برای مخاطب هدف منتقل کند.

جنگ تحمیلی سوم نشان داد که ایران نه تنها در میدان نبرد، بلکه در میدان روایت نیز به بلوغ رسیده است. با این حال، نمی‌توان از یک واقعیت چشم‌پوشید: موضع‌گیری‌های ضعیف و بعضاً ناهماهنگ در مجموعه ریاست‌جمهوری و اطرافیان آن، به پاشنه آشیل این نبرد بدل شد؛ نقطه‌ضعفی که اگر اصلاح نشود، می‌تواند دستاوردهای میدان را با چالش مواجه کند.

سیاست خارجی

مرشایمر: ترامپ شکست را بپذیرد



جان جی مرشایمر با تشریح وضعیت راهبردی ایالات متحده اعلام کرد مشکل اساسی که دونالد ترامپ با آن مواجه است، ناتوانی در صعود در نردبان تشدید تنش است، چرا که ایران در هر سطحی برتری دارد؛ از جمله به دلیل کنترل تنگه هرمز و توانایی وارد آوردن آسیب جدی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و همچنین اسرائیل. وی تأکید کرد اسرائیل نیز تلاش گسترده‌ای برای پنهان کردن خسارات ناشی از حملات موشکی انجام می‌دهد. او افزود تنها راه خروج ترامپ از این وضعیت، پذیرش شکست است و ایران نیز گزینه خروج مطلوبی در اختیار او قرار نخواهد داد. به گفته مرشایمر، از منظر ایران، آمریکا و اسرائیل دشمنان مرگبار و تهدیدی وجودی محسوب می‌شوند، از این رو تهران با اهرم‌های قابل توجه خود به دنبال تحمیل شرایط سخت است. مرشایمر همچنین به اظهارات ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اشاره کرد که در آن تهدید به نابودی کامل ایران مطرح شده بود و این سخنان را نمونه‌ای از ادبیات نسل‌کشی توصیف کرد. وی این نوع بیان را بی‌سابقه و تکان‌دهنده دانست. به گفته او، ترامپ در ادامه همان روز عقب‌نشینی کرده و عملاً شکست را پذیرفته است. مرشایمر تصریح کرد پذیرش طرح ده‌بندی ایران از سوی ترامپ، در برابر طرح پانزده‌بندی آمریکا، نشان‌دهنده تفاوتی بنیادین و تغییر معنادار در موضع واشنگتن است.

سرطان عدم تعین!

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

در میانه یک جنگ تعیین کننده، خطرناک‌ترین خط آن است که با «عدم تعین» کنار بیاوریم؛ حالتی از ابهام و بی‌موضعی که بیشتر کاسب‌کارانه است تا وطن‌پرستانه. امروز دیگر زمان پناه بردن به کلی‌گویی‌های تاریخی یا نام بردن صرف از چهره‌هایی چون کوروش، داریوش یا حتی اسطوره‌هایی چون فردوسی نیست، اگر این نام‌ها نتوانند به درکی روشن از وضعیت کنونی منجر شوند. تاریخ، زمانی الهام‌بخش است که به امروز گره بخورد، نه آنکه جای آن را بگیرد.

واقعیت صحنه روشن است: سربازان ایران، از سپاه و بسیج تا ارتش، در خط مقدم ایستاده‌اند و از مرزهای کشور دفاع می‌کنند. این یک موقعیت مبهم یا قابل تفسیر نیست. با این حال، در فضای رسانه‌ای، گاه شاهد نوعی گزارش‌گری و تحلیل هستیم که حتی از نام بردن صریح دشمن پرهیز می‌کند؛ نوعی بی‌تعینی که نه تنها کمکی به آگاهی عمومی نمی‌کند، بلکه می‌تواند به سردرگمی و تضعیف روحیه ملی بینجامد.

عدم تعین، به‌ویژه در زمان جنگ، صرفاً یک ضعف نظری نیست، یک خطر عملی است. در چنین شرایطی، نگرانی اصلی باید متوجه امنیت غیرنظامیان باشد، اما این نگرانی نباید به نادیده گرفتن یا کم‌رنگ کردن نقش نیروهای نظامی منجر شود. آنان که در خط مقدم ایستاده‌اند، نه فقط مدافعان یک ساختار سیاسی، بلکه حافظان تمامیت سرزمینی ایران هستند و شایسته حمایت و احترام‌اند. در چنین وضعیتی عملکرد برخی رسانه‌های مدعی انقلابی‌گری که گدایی جملات عام از سلبریتی‌ها می‌کنند، مشمئزکننده است.

پرسش اساسی اینجاست: چه کسی توانست در برابر فشارها و تحقیرها، نوعی احساس عزت و ایستادگی را به جامعه بازگرداند؟ پاسخ روشن است: جمهوری اسلامی ایران. نادیده گرفتن این واقعیت و جایگزین کردن آن با شعارهای مبهم یا وطن‌دوستی از راه دور و لاف وطن‌زدن، به کار وطن‌نمی‌آید. حتی سکوت، در برخی مواقع، از این بی‌تعینی صادقانه‌تر است.

سینمای ایران باید راه را برهالیوود ببندد؛

نگذاریم کلاغ را جای عقاب بفروشد!

شکست را به پیروزی و حقیقت را به افسانه بدل کند. در این میان، هالیوود سال‌هاست که با بهره‌گیری از امکانات گسترده، تاریخ را از زاویه دید خود بازتعریف می‌کند.

در جهان امروز، روایت‌ها به اندازه واقعیت‌ها اهمیت دارند و گاهی حتی از خود واقعیت نیز پیشی می‌گیرند. سینما به‌عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای روایت‌سازی، می‌تواند



سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

یکی از نمونه‌های بالقوه این تحریف، ماجرای عملیات آمریکا برای نجات خلبان سقوط کرده در خاک ایران است؛ روایتی که می‌تواند به‌سادگی به یک حماسه قهرمانانه تبدیل شود. در حالی که واقعیت، پیچیده‌تر و حتی متضاد با این تصویرسازی است، سینمای ایران باید در این مورد از هرگونه تعلل پرهیز کرده و دست‌پیش را بگیرد. هر نوع تاخیری در این مسئله می‌تواند به از دست رفتن حقیقت در حافظه جهانی منجر شود.

سینما تنها یک ابزار سرگرمی نیست؛ بلکه رسانه‌ای استراتژیک برای شکل‌دهی به افکار عمومی و تثبیت روایت‌ها در حافظه تاریخی ملت‌هاست. در این میدان، هر کشوری که زودتر و حرفه‌ای‌تر وارد عمل شود، برنده نهایی روایت خواهد بود. در موضوعاتی چون جنگ رمضان و رخداد‌های مرتبط با آن، این اهمیت دوچندان می‌شود؛ چراکه پای تقابل روایت‌ها در میان است، نه صرفاً ثبت یک رویداد تاریخی.

یکی از مهم‌ترین مصادیق این مسئله، عملیات ادعایی آمریکا برای نجات یک خلبان سقوط کرده در خاک ایران است. این رویداد، به‌طور طبیعی برای هالیوود یک سوژه طلایی محسوب می‌شود: یک خلبان گرفتار، نیروهای ویژه دلتا فورس، و مأموریتی خطرناک در دل خاک دشمن. ترکیب این عناصر، همان چیزی است که هالیوود بارها از آن یک روایت حماسی و قهرمانانه ساخته است. اما واقعیت ماجرا، آن‌گونه که گزارش‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد، کاملاً متفاوت است.

در روایت اصلی، ماجرای نجات خلبان نه یک هدف واقعی، بلکه بخشی از یک عملیات فریب‌دهنده است؛

اون ماهواره لعنتی رو خاموش کن!

ایمان اعظمی
روزنامه‌نگار

رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر خود خطاب به مردم فرمودند که به صدای رسانه‌های بیگانه و معاند فارسی‌زبان گوش ندهند یا با دید انتقادی به سراغ آن‌ها روند. این حرف بسیار درست و منطقی است، خصوصاً اینکه ما در وضعیت جنگی با بزرگ‌ترین و شقی‌ترین دشمنان انقلاب اسلامی، یعنی آمریکا و اسرائیل طرف هستیم و آن‌ها هیچ محدودیت و مرزی برای بازی با روان مخاطبان خود در داخل و خارج از مرزها قائل نیستند و نه تنها به شکاف میان شهروندان ایران و نظم اسلامی دامن می‌زنند، بلکه حتی «ایرانیت» مورد نظرشان را به پای اهداف صهیونی-آمریکایی قربانی می‌کنند.

این مسئله ریشه در تاریخ رسانه‌های فارسی‌زبان، در سال‌های پیش، خصوصاً وقایع مربوط به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ دارد. در آن روزها که طرف شکست‌خورده انتخابات برای سهم‌خواهی، درصد اشتغال خیابان بود، رسانه‌های فارسی‌زبان با اسم رمز دموکراسی و تاکید بر حق انتخاب به هر دستاویزی چنگ می‌انداختند تا فاصله میان رای‌دهندگان و حاکمیت را زیاد کنند.

«کامبیز حسینی» مجری این روزهای شبکه تروریستی اینترنت‌نشال، در آن سال‌ها با برنامه «پارازیت» هر جمعه مهمان خانه‌های مخاطبان هدفش می‌شد و در نیم‌ساعت هرکس و هرچیز را به سخره می‌گرفت تا شکست طرح آمریکایی-غربی در کودتای انتخاباتی را کم‌اهمیت جلوه دهد. پارازیت با اجرای حسینی و نویسندگی «سامان اربابی» روی آنتن صدای آمریکا می‌رفت و توانست تعدادی از ایرانیان را فریب دهد، اما این فقط حسینی نبود که برای خدمت به عموسام حاضر به یراق بود.

در آنسو، «سیاوش اردلان» با برنامه مخاطب‌محور «نوبت شما» و «بهزار بلور» یا «بلور بنفش» تا کمر برای عرض بندگی به ملکه انگلیس خم شدند و تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی را به بلندگوی طرف بازنده انتخابات ۱۳۸۸ تبدیل کردند. مراد از بیان این تاریخچه کوتاه، آن است که مردم باید دید خود نسبت به رسانه‌ها را تغییر دهند و با نگاهی انتقادی به مسائل بنگرند، اگر جز این باشد نباید هیچ تردیدی به دل راه داد که نظام فکری مخاطب متمیز می‌شود. تجربه اینترنت‌نشال نشان داد که نباید گول مارهای خوش‌خط و خال را خورد و زیبایی‌شناسی آن‌ها را در بیگانه‌سازی ببیند از ایران نادیده گرفت.



صالحی، زهرا قنبری، علی شریف زارچی، مسعود شجاعی، پوریا زراعتی، فرداد فرحزاد، الناز کیانی، احمد صمدی، مزدک میرزایی، محمد تقوی، علی حسین قاضی زاده، حامد اسمعیلیون، اشکان خطیبی، محمدعلی کریمی، حمید فرخ نژاد، بروز ارجمند، احسان کرمی، کیوان عباسی، مرجان عباسی، امیرعلی محمدیان، سالومه سیدنیبا. این دست اقدامات -که باید زودتر اتفاق می‌افتاد- می‌تواند افرادی مشابه این حشرات‌الارض را که به سادگی مادر/وطن خود را می‌فروشد، سر جایشان بنشانند.

اجتماعی، تلویزیون اسرائیلی و تروریستی اینترنت‌نشال و ... در جنگ علیه ایران با دشمن همدستی می‌کنند عبارتند از: محمد صادقی، مازیار فلاحی، پرستو

در پی خیانت‌های مکرر و وطن‌فروشی عده‌ای فارسی‌زبان در وقایع اخیر و جنگ رمضان، با دستور قضایی اموال ۴۰۰ نفر توقیف شده یا خواهد شد. برخی از این موجودات که در شبکه‌های

توقیف اموال خائنان